

ارج رضا

(جشن نامه استاد رضا پاشا زاده مراغه ای: پاشا جان شهریار)

www.ketab.ir
تدوین و ویراست

دکتر جلال جلال شکوهی، رحیم یکنجفت

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک

وضعیت فهرست نویسی
عنوان دیگر

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

وضعیت رکورد

جلال شکوهی، جلال، ۱۳۲۹، گردآورنده
ارج رضا : جشن نامه استاد رضا پاشازاده مراغه ای: پاشا جان شهریار/
تدوین و ویراست جلال جلال شکوهی، رحیم نیکبخت،
تهران: منشور سمیر، ۱۳۹۹،
۵۴۸ص.
۹۷۸-۶۰۰-۴۶۷-۴۱۲-۶
فیبا
جشن نامه استاد رضا پاشازاده مراغه ای: پاشا جان شهریار.
پاشازاده، رضا، ۱۳۱۵ -
شاعران ایرانی -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه و کتابشناسی
Poets, Iranian -- 20th century -- Bio-bibliography
نیکبخت، رحیم، ۱۳۵۰
۸۳۳۶ PIR
۸۵۱/۶۲
۷۵۴۲۳۹۳
فیبا



ارج رضا

(جشن نامه استاد رضا پاشازاده مراغه ای: پاشا جان شهریار)

تدوین و ویراست: دکتر جلال جلال شکوهی، رحیم نیکبخت

ناشر: منشور سمیر / شمارگان: ۳۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول-۹۹ / قیمت: ۱۶۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۷-۴۱۲-۶

حق چاپ: ۱۳۹۹، انتشارات منشور سمیر
www.Manshoorsamir.com

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۳
فصل اول: شرح زندگی و شجره خانوادگی استاد رضا پاشازاده.....	۷
فصل دوم: مجموعه مقالات استاد رضا پاشازاده مراغی.....	۷۷

مقدمه

شهوت ادبی و فرهنگی در تمام افرادی که کتاب می‌خوانند به مقادیر کم و متوسط و زیاد وجود داشته و پس از مدتی خواندن، آرزو دارند که خودشان نیز بنویسند. این می‌تواند موجب خلق چند رمان گشته ولی با گرایش به مطبوعات این شهوت و علاقه به ساختن اجتماع و انتقاد از سیستم‌ها برای ساخت و ساز بهتر ارتقاء می‌ابد. اگرچه یک رمان‌نویس هم می‌تواند انقلابی را در جامعه بیافریند مثلاً جورج اورول با قلعه حیوانات و نقش ویکتور هوگو در انقلاب فرانسه.

من خود با گرفتن الگو از دانی قبرا و آراسته و منظم با موه‌های برق‌زده و قدم‌های موکّر و با ادب و کیاست و سیاست مناسب در اجتماع، تب آن‌را داشتم که کتاب بخوانم و قبل از نوشتن کتاب به مطبوعات پردازم.

در دوران دبیرستان بولتن هفتگی و دیواری را می‌نوشتم، خبرنگار مجله اطلاعات دختران و پسران، روزنامه آیندگان و مجله تهران مصوّر بودم در حالیکه جناح سیاسی نداشتم ولی علاقمند بودم برای ملت قهرمان و برای دولت خادم خوبی باشم، اداره مملکت بسیار سخت است لذا هر دولتی تقریباً بیچاره است حتی اگر موفق باشد چه برسد که دولت تنبلی هم باشد.

دانی در مراغه و آذربایجان مهره اجتماعی بود و من هم سایه به سایه او میدویدم اما هرگز شعر نگفتم و یاد نگرفتم و فن من در حد خودم در نثری است که خواننده را بخنداند و الگوی اداره محیط و جامعه را در لابلای خود داشته باشد.

دانی می‌توانست به هر نسیمی و حرکتی و فعل و انفعالی فی البداهه شعری سوار نماید و الگوی من این است که قبل از هر حرکتی بتوانم بگویم که چطور حرکت بکنیم که گرد و خاک نشود. اگرچه دانی سخنوری حاضر در تمام مجالس شهر و استان

بودند ولی من هم بعنوان دانش آموز تعداد زیادی دعوت به مجالس داشتم که گوش کنم و کسب تجربه نمایم.

روزی برای یک خبر انتقادی که در روزنامه اطلاعات چاپ شده و کلاغه خبر آنرا به گوش خانم وزیر آموزش و پرورش رسانده بود و ایشان هم کتباً جوایز احوال شده بود و مدیر دبیرستان جوش آورده بود و مرا از دبیرستان بیرون کرد و گفت هروقت خبر را تکذیب کردی برگرد! تکذیب خبر یعنی استعفا از خبرچینی که کامورد علاقه من نبود لذا خدمت فرماندار رفتم و طرح مسئله کردم.

فرماندار خونسردتر بود و تلفنی با مدیر دبیرستان صحبت کرد که من سر کلاسم برگردم لذا من هم در کار خودم یک دانی کوچولو بودم اما شعرهای شیوای ایشان را بلد نبودم و همین که فرماندار هوای مرا داشت خودش خیلی بود و هنوز راه درازی را در پیش داشتم چون دانی را استاندار و آدم های بزرگتری می شناختند، او پشت تریبون بود و من روی صندلی تماشاچی ها نشسته بودم اما شنیده بودم می گفتند که هر درختی را دانی گشت بچه خواهر شاخه به شاخه گشت.

دانی مسائل ادبی را به پدرم اجلال پسر جلال، نوه حاج مهدی توضیح می داد ولی پدرم اهل هنر بود زیاد سرش برای مطبوعات درد نمی کرد ولی من در صحنه گوش می کردم و به دفتر دل می نوشتم.

نفوذ دانی در طبقات مذهبی نیز بیشتر از من بود لذا در انجمن ها و جمعیت مذهبی مراغه پذیرایی می شد چون مادرشان سید و موسوی بود.

همت دانی بسیار بلند بود چون ایده های بزرگ و مفید حال جامعه را در مخیله می پروراند مثلاً بچه ها چگونه اند، خانم ها و خواهران و عاشقان و حتی بازنشسته ها یا معماران گذشته چگونه گذر عمر و امور را می نمایند.